

پژوهش‌های اسلامی خاورشناسان (علمی - تخصصی)

سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

صص: ۷-۳۳

فرا تحلیل کاربست الگوی هالیدی و حسن در مقالات قرآن پژوهان فارسی زبان

ساجده نبی^۱ - سهیلا جلالی کندی^۲ - نصرت نیل ساز^۳

چکیده

دانشمندان علوم قرآنی به منظور اثبات پیوستگی و انسجام سور قرآن از الگوهای ساختارشناسانه متعددی بهره برده‌اند. در این میان الگوی هالیدی و حسن، هم از سوی قرآن پژوهان و هم از سوی پژوهندگان متون غیرقرآنی با رویکرد ساختارگرایی از استقبال بیشتری بهره‌مند شده است. این دوزبان شناس در آثار مشترک خود، به جهت کشف انسجام متونی که به زبان انگلیسی معیار تألیف شده بود، الگویی ابداع و طرح کردند. البته این الگو قابل اجرا بر همه زبان‌هاست. در این نوشتار از میان پژوهش‌های فارسی زبان انجام شده بر اساس الگوی انسجامی هالیدی و حسن، ده پژوهش در بازه زمانی دهه نود، انتخاب و میزان موفقیت آنها در فهم صحیح الگو و کاربست دقیق آن در سور قرآن به روش فرا تحلیل کیفی، ارزیابی شده است. حاصل این فرا تحلیل کشف اشکال‌ها و نقاط ضعفی است که در فهم صحیح این الگو وجود دارد؛ مانند تفکیک روابط پیوندی از انسجام دستوری، معرفی ناقص زیرمجموعه‌های انسجامی و عدم توجه به نظریه پیوستگی. فهم ناصحیح الگو سبب می‌شود انطباق آن بر سور قرآنی نیز با موفقیت انجام نشود که بارزترین نمود آن غفلت از مؤلفه‌های مورد نظر الگوی هالیدی و حسن است. مهم‌ترین و عمده‌ترین علت این اشکال‌ها مراجعه نکردن به منبع اصلی در فهم الگوست.

واژگان کلیدی: الگوی هالیدی و حسن، انسجام، پیوستگی، سور قرآن، فرا تحلیل.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء. s.nabaei@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه الزهراء. s.jalali@alzahra.ac.ir

۳. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس. nilsaz@modares.ac.ir

۱. مقدمه

زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا^۱ یکی از رویکردهای نظری در علم زبان‌شناسی است که یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان آن، مایکل هالییدی^۲ است. بر اساس این رویکرد، زبان شبکه‌ای درهم‌تنیده از نظام‌هاست که در نتیجه گزینش‌هایی که درون آن رخ می‌دهد، در نهایت به شکل ساختار یعنی زنجیره‌ای از گفتار یا نوشتار متبلور می‌شود. (Haliday & Matthiessen, 2004: 24-25) یکی از مباحث مطرح در زبان‌شناسی نقش‌گرا، «انسجام»^۳ است. «انسجام» بر یک اصل بسیار ساده استوار است و آن این‌که هر جمله که در متن می‌آید حداقل از یک منظر با جمله یا جملات پیش از خود در پیوند باشد. چنین پیوندی از طریق الفاظ و عباراتی ایجاد می‌شود که به نوعی یادآور و تکرار چیزی هستند که فعل یا موضوع پیش‌تر به آن اشاره داشته یا آن را نشان داده است. (دهقان طزرجانی، ۱۳۹۹: ۴۶-۴۷ به نقل از فالور) بنابراین انسجام تعیین می‌کند که آیا جملات یک متن با هم در ارتباط هستند یا متن از جملات غیرمرتبط تشکیل شده است. (دهقان طزرجانی، ۱۳۹۹: ۴۷) این رویکرد به حوزه مطالعات سوره‌های قرآن نیز سرایت کرده است. البته در نظر گرفتن ارتباط و تناسب میان آیات یک سوره پیشینه‌ای کهن در تفسیر و گفتمان علوم قرآن دارد؛ اما در نظر قدما اثری از نظریه «انسجام» مشاهده نمی‌شود؛ بلکه علم «مناسبت» است که محل توجه قرار گرفته است. مناسبت آیات و سوره که یکی از انواع علوم قرآنی است، با نظم و پیوستگی پیوند می‌یابد. در لغت هم‌شکل بودن و نزدیک به هم بودن

1. Systemic functional linguistic

2. Michael Alexander Kirkwood Halliday, 1925-2018

او زبان‌شناس بریتانیایی، دانش‌آموخته دانشگاه لندن، مقیم استرالیا و توسعه‌دهنده دستور زبان نقش‌گرای نظام‌بنیاد بود. همسر او، رقیه حسن نیز استاد زبان‌شناسی بود.

3. Cohesion

را «مناسبت» می‌گویند. (الشیوطی، ۱۳۶۷: ۳/۳۷۱) بُقاعی علم «مناسبت» را دانشی می‌داند که به شناسایی علل چینش و ترتیب اجزای قرآن می‌پردازد. (بقاعی، بی‌تا: ۶/۱) رویکرد نظم‌اندیشی کهن که «رهیافت جزءنگر» نام دارد، بر اساس ترتیب و توالی آیات و سور، به تبیین پیوندهای خطّی و اثبات انسجام قرآن می‌پردازد و مبتنی بر توقیفی‌دانستن ترتیب آیات و سور است (توگلی محمدی، ۱۳۹۸: ۱۱) اما رویکرد نوین که در سده اخیر میان قرآن پژوهان معاصر و به دنبال آغاز مجدد تردید خاورشناسان به هماهنگی و نظم متن قرآن (حرّی، ۱۳۸۹: ۷۸) رواج یافت، بر اتساق معنایی، انسجام و وحدت موضوعی سوره‌های قرآن و ارتباط آیات آن استوار است. (توگلی محمدی، ۱۳۹۸: ۱۲) یکی از ابزارهای رویکرد نوین مطالعه ساختارگرایی سور قرآنی بر اساس الگوهای ساختارشناسانه است. در حوزه ساختارشناسی و نمایش انسجام و پیوستگی^۱ سوره‌های قرآن کریم، الگوهای متعددی معیار و مبنای پژوهش‌های ساختارگرا قرار گرفته است؛ در این میان الگوی انسجام‌گرایانه مایکل هالیدی و رقیّه حسن (Ruqaiya Hasan, 1931-2015) جایگاهی ویژه دارد. گرچه این الگو ابتدا برای متون انگلیسی و زبان انگلیسی معیار طرح شد، قابلیت استفاده در هر زبانی را دارد؛ هرچند ممکن است الگوهای انسجامی زبان‌ها متفاوت باشد. (سارلی، ۱۳۹۰: ۵۲)

در این نوشتار تلاش بر این است که به روش فراتحلیل^۲ کیفی، پژوهش‌هایی فارسی‌زبان که الگوی مذکور را در کشف انسجام سوره‌های قرآن به کار بستند، بررسی شوند. فراتحلیل روشی است که به کمک آن می‌توان تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام‌شده را استنتاج کرد و در رسیدن به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست. فراتحلیل می‌تواند به روشنی خلأها، مشکلات و نواقص پژوهش‌ها و مطالعات

1. Coherence

2. Meta-analysis

انجام شده را نشان دهد. (ذاکرسالحي، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۲۱) هدف از فراتحلیل کیفی ارائه تصویری جامع و تفسیری از داده‌ها و پژوهش‌هایی است که تا به حال به موضوع خاصی پرداخته‌اند. (محمدی، ۱۳۹۵: ۹۱ به نقل از تیمولاک) در واقع در فراتحلیل از نتایج تحقیقات دیگران تحلیل جدیدی عرضه می‌شود. در همین راستا ده پژوهش در بازه زمانی دهه نود شمسی که بیشترین بازدید و بارگیری را داشته‌اند، انتخاب و واکاوی و تحلیل می‌شوند. در حقیقت در این نوشتار در پی آنیم تا موارد ذیل را در رابطه با این ده پژوهش قرآنی مبتنی بر الگوی هالیدی و حسن ارزیابی کنیم.

۱- فهم صحیح و معرفی دقیق الگوی هالیدی و حسن؛

۲- کاربری صحیح و دقیق الگوی هالیدی و حسن بر متن قرآن.

داده‌های کیفی به صورت توصیفی طبقه‌بندی و ارائه شده است. البته تلاش شده که نتیجه استنتاج و بررسی‌های کیفی در قالب داده‌های کمی نیز ارائه شود.

۲. چارچوب نظری پژوهش؛ الگوی هالیدی و حسن

در این موضع سعی بر آن است تا تعریفی جامع و مانع از الگوی هالیدی و حسن با استناد به تألیفات این دو زبان‌شناس ارائه شود. برای نیل به این هدف ابتدا مبانی نظری و سپس مؤلفه‌های انسجامی الگوی مذکور شرح داده خواهد شد.

۱.۲. مبانی نظری الگو نسبت به متن

پیش‌تر گفته شد که یکی از مباحث مطرح در زبان‌شناسی نقش‌گرا، «انسجام» است. هالیدی و حسن در سال ۱۹۷۶ «نظریه انسجام» را در زبان معیار انگلیسی و در اثر مشترک خود با عنوان **انسجام در زبان انگلیسی**^۱ مطرح کردند. از دیدگاه ایشان «انسجام» ابزار زبانی است که ویژگی متنیت را فراهم می‌کند و مفهومی معنایی است

که به روابط معنایی بین عناصر یک متن اشاره دارد. به گونه‌ای که یک عنصر، عناصر دیگر را پیش‌انگاری می‌کند و خود نیز توسط عناصر دیگر پیش‌انگاری می‌شود. بنابراین درک یک عنصر وابسته به درک عناصر دیگر است. این ارتباط، عناصر متن را در هم ادغام می‌کند و به کلّ متن انسجام و وحدت می‌بخشد. (Halliday and Hasan, 1976: 4) از دیدگاه هالیدی و حسن آنچه مفهوم «انسجام» را در جمله مستقر می‌کند، گره^۱ است. گره، ارتباط بین یک عنصر از یک جمله با عنصر دیگری در جمله دیگر است. (Ibid: 3) مثال: شش پسر بچه در حال بالا رفتن از درخت بودند. شاخه درخت سست بود و آن‌ها از بالا به پایین افتادند. گره در این دو جمله ارتباطی است که بین واژه «شش پسر بچه» و واژه «آن‌ها» وجود دارد.

۲،۲. روش‌های کشف انسجام و مؤلفه‌های مورد توجه

هالیدی و حسن ابزارهای آفریننده انسجام در متن را دو قسم انسجام دستوری^۲ و انسجام واژگانی^۳ معرفی کردند.

۲،۲،۱. انسجام دستوری

این قسم از انسجام، شامل موارد زیر می‌شود:

الف) ارجاع^۴: طبق الگوی هالیدی و حسن ارجاع میان یک عنصر و عنصر دیگر در متن ارتباط برقرار می‌کند. مثل ارتباطی که بین ضمائر و اسامی اشاره و مرجع آن وجود دارد. (Halliday & Hasan, 1976: 31-32) آن‌ها بر اساس یک قاعده کلی ارجاع

1. Tie

2. Grammatical cohesion

3. Lexical cohesion

4. Reference

را به دو قسم درون‌متنی^۱ و برون‌متنی^۲ تقسیم می‌کنند؛ یعنی آنچه بدان ارجاع داده می‌شود یا درون متن است یا خارج از متن. اگر عنصر مرجع، درون متن باشد با توجه به موقعیت مرجع نسبت به عنصر ارجاع، به دو قسم پیش‌مرجع^۳ و پس‌مرجع^۴ تقسیم می‌شود. (Halliday & Hasan, 1976: 33) مثال پیش‌مرجع: «او علی است». در این مثال ضمیر «او» پیش از مرجع آمده است. مثال پس‌مرجع: «علی و رضا از مدرسه آمدند. آن‌ها دانش‌آموز هستند». در این مثال ضمیر «آن‌ها» پس از مرجع آمده است. ارجاع برون‌متنی زمانی است که عنصر مرجع خارج از متن است و درک آن به درک موقعیت و زمینه متن بستگی دارد. (Ibid: 33) برای مثال درک مرجع اسم اشاره «اینجا» در جمله «اینجا بنشین» به درک موقعیتی بستگی دارد که متن در آن شکل گرفته است.

ب) جایگزینی^۵: از دیدگاه هالیدی و حسن جایگزینی عبارت است از قرارگرفتن یک عنصر زبانی به جای عنصر زبانی دیگر؛ یعنی به جای تکرار یک کلمه یا عبارت از کلمه و عبارت دیگری استفاده شود. (Ibid: 89) مثال: «دیروز دو کتاب خریدم. یکی را هدیه دادم». در این مثال واژه «یکی» جایگزین واژه «کتاب» شده است. در فرآیند جانشینی عنصر جانشین می‌تواند اسم، فعل و جمله باشد. (Ibid: 90)

ج) حذف^۶: هالیدی و حسن عنصر حذف را شبیه به عنصر جایگزینی می‌دانند و آن را جایگزینی به‌وسیله هیچ معرفی می‌کنند و آن دو را به این دلیل از عنصر ارجاع

1. Endophoric

2. Exospheric

3. to preceding text

4. to following text

5. Substitution

6. Ellipsis

تمتایز می‌سازند که عنصر جایگزینی و حذف ارتباط بین کلمات، عبارات و جمله‌ها را انسجام می‌بخشد، حال آنکه عنصر ارجاع، انسجام را میان معانی برقرار می‌کند. از دیدگاه هالیدی و حسن حذف عناصر جمله بدین معنا نیست که عنصر حذف شده دانسته نشود و مجهول باقی بماند، بلکه به وسیله شواهد و قرائن موجود در جمله آشکار می‌شود. (Ibid: 142) مثال: «علی تعدادی کتاب همراه خود آورد و رضا تعدادی خودکار». در این مثال فعل جمله دوم به قرینه فعل جمله اول حذف شده است. عنصر حذف شده می‌تواند اسم، فعل یا جمله باشد. (Ibid: 146)

د) روابط پیوندی^۱: هالیدی و حسن عنصر روابط پیوندی را چهارمین و آخرین عنصر دستوری که موجب انسجام متن می‌شود، معرفی می‌کنند. البته این عنصر با سه عنصر قبلی تفاوتی دارد و آن اینکه عناصر روابط پیوندی خودشان انسجام‌دهنده نیستند، بلکه غیرمستقیم و به واسطه معانی خاصشان انسجام می‌بخشند. درواقع روابط پیوندی ناظر به روابط معنایی^۲ میان عناصر متن است. (Ibid, 226) از نظر این دو زبان‌شناس روابط پیوندی چهار قسم است: اضافی، تقابلی، سببی و زمانی. ارتباط اضافی^۳ زمانی است که یک جمله یا عبارت به جمله دیگری اضافه می‌شود و این جمله اضافی می‌تواند جنبه توضیحی^۴، تمثیلی^۵، مقایسه‌ای^۶ و تشبیهی^۷ داشته باشد. این اضافه‌شدن معمولاً

-
1. Conjunction
 2. Semantic relations
 3. additive relations
 4. Expository
 5. Exemplificatory
 6. Comparative
 7. Similarity

به وسیله حرف عطف «و»^۱ «همچنین»^۲ «یا»^۳ «به علاوه»^۴ «به این ترتیب»^۵ «برای مثال»^۶ و... صورت می‌گیرد. (Halliday & Hasan, 1976: 244-249) برای مثال «من نزدیک بود پنجره را باز کنم و کتابم را به بیرون از پنجره پرتاب کنم». در این مثال جمله دوم با حرف عطف «و» به جمله اول اضافه شده است. ارتباط تقابلی^۷ زمانی شکل زمانی شکل می‌گیرد که جمله‌ای خلاف انتظار پس از جمله دیگر می‌آید. منشأ این انتظار گاه محتوای متن است، گاه فرآیند ارتباط و موقعیتی است که خواننده یا شنونده در آن قرار دارد. بنابراین منشأ انتظار می‌تواند داخلی یا خارجی باشد. حروف ربطی که این دو جمله را پیوند می‌دهند عبارت‌اند از: اما، گرچه، هنوز^۸ و... (Halliday & Hasan, 1976: 250) برای مثال «همه قطعات دستگاه صحیح هستند و چک شده‌اند؛ اما کل و مجموع دستگاه ناکارآمد است». در این مثال جمله دوم خلاف انتظار است، زیرا علی‌رغم صحیح بودن قطعات، دستگاه عملکرد صحیحی ندارد. ارتباط سببی^۹ از عنوانش پیداست که ناظر بر زمانی است که جمله یا عبارتی در بیان علت سخن ماقبل خود می‌آید. هالیدی و حسن چهار کارکرد را برای ارتباط سببی نام می‌برند: تأکید، علت، نتیجه و هدف. آن‌ها ساده‌ترین شکل ارتباط سببی را تأکیدی می‌دانند که به وسیله ادواتی مانند «بنابراین»، «زیرا»^{۱۰}

1. And

2. Also

3. Or

4. In addition

5. By the way

6. For example

7. Adversative

8. but, although, yet

9. causal

10. because, so

بین عبارات و جملات ارتباط برقرار می‌کند. ادواتی که در بیان علت استفاده می‌شوند عبارت‌اند از: «به همین دلیل»، «با این حساب»^۱ و... ادوات ربطی مانند «در نتیجه»، «بدین ترتیب»^۲ به منظور نتیجه‌گیری از گزاره قبلی استفاده می‌شوند و کاربرست ادواتی همچون «با این هدف»، «در نهایت»^۳ در ارتباط سببی از نوع بیان هدف است. (Ibid: 260) ارتباط زمانی^۴ هنگامی شکل می‌گیرد که میان دو جمله توالی زمانی برقرار باشد. هالیدی و حسن معتقدند این نوع ارتباط، به وسیله ادواتی چون «سپس»، «پس از آن»، «متعاقباً»^۵ بیان می‌شود. (Ibid: 261) مثال: «علی درب‌های خانه را قفل کرد. سپس به سوی محل کار خود حرکت کرد». در این مثال رفتن به سوی محل کار از نظر زمانی پس از قفل کردن درب‌های منزل اتفاق افتاده است.

هالیدی و حسن در پایان بخش انسجام پیوندی از شش عنصر دیگر نام می‌برند که به شکل یک پیونددهنده عمل می‌کنند: «حالا»، «البته»، «به خوبی»، «به هر حال»، «مطمئناً» و «بعد از همه». (Ibid: 268-270)

۲.۲.۲. انسجام واژگانی^۶

هالیدی و حسن این نوع انسجام را از انتخاب واژگان متأثر می‌دانند. (Ibid: 274) عوامل انسجام واژگانی از دیدگاه آن‌ها دو چیز است؛ بازایی^۷ و باهم‌آیی^۸. بازایی

1. for this reason, on this account

2. As a result, so that

3. for this purpose, recently

4. temporal

5. then, next subsequently

6. Lexical cohesion

7. Reiteration

8. Collocation

شامل تکرار همان واژه،^۱ هم‌معنایی^۲ یا مشابهت معنایی^۳ و شمولیت معنایی^۴ است؛ یعنی یک واژه در مناسبات مختلف به همان شکل تکرار شود یا واژه‌ای مترادف آن بیاید یا واژه‌ای بیاید که نسبت به واژه اول گستردگی معنایی داشته باشد. (Halliday & Hasan, 1976: 282) مثال: «پسری در حال بالا رفتن از درخت است. الف) پسر اگر مراقب نباشد، از درخت می‌افتد. ب) این‌گونه پسرها باید همیشه مواظب خود باشند. ج) اکثر بچه‌ها بالا رفتن از درخت را دوست دارند». واژه «پسر» در گزاره الف دقیقاً تکرار شده است، زیرا به همان پسری اشاره دارد که از درخت بالا رفته است. واژه «مواظب» در گزاره ب هم‌معنا و مترادف واژه «مراقب» در گزاره الف است. واژه «بچه‌ها» در گزاره ج نسبت به واژه «پسر» شمولیت معنایی دارد، زیرا هم پسر و هم دختر را شامل می‌شود.

هالیدی و حسن در بسط و تکمیل الگوی انسجامی خود گزینه دیگری را با عنوان جز و کل^۵ به اقسام انسجام واژگانی اضافه کردند (Halliday and Hasan, 1989: 82) به این معنا که واژه‌ای نسبت به واژه دیگر جزئی از کل یا عکس آن باشد؛ مثلاً خانه نسبت به پنجره، کل نسبت به جزء و پنجره نسبت به خانه جزء از کل است.

باهم‌آیی، یعنی باهم‌آمدن چند واژه که با یکدیگر ارتباط معنایی دارند و این ارتباط لزوماً از نوع هم‌معنایی یا شمولیت معنایی نیست؛ بلکه می‌تواند از نوع تضاد^۶ یا تکمیل^۷ باشد. (Halliday & Hasan, 1976: 284-288) مثال: «پسرها همیشه در حال

1. Repetition of the same word

2. Synonym

3. Near synonym

4. Superordinate

5. Metonymy

6. antonym

7. Complementarity

شیطنت هستند. دخترها این گونه نیستند. گاهی اوقات به شیطنت کردن علاقه دارند و گاهی اوقات از آن متنفرند؛ اما پسرها همیشه نشست و برخاست را دوست دارند. بنابراین بچه‌ها در این مسئله مثل هم نیستند». در این مثال واژه «دخترها» مکمل واژه «پسرها» ست. واژگان «علاقه» و «تنفر» و «نشست» و «برخاست» متضاد یکدیگر هستند. واژه «بچه‌ها» نسبت به واژه «پسرها» و «دخترها» شمولیت معنایی دارد.

هالیدی و حسن در سال ۱۹۸۵ میلادی در دیگر اثر مشترک خود با عنوان **زبان، بافت و متن: جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی-نشانه‌شناختی**^۱ نظریه خود را تکمیل کردند. این کتاب شامل دو بخش است. بخش ابتدایی آن شامل زبان، بافت، متن و... نوشته هالیدی است و نگارنده بخش دوم آنکه در رابطه با هماهنگی انسجام است، حسن می‌باشد. در بخش اول هالیدی به «پیوستگی» چونان یکی از ویژگی‌های متن که با آن درآمیخته است، اشاره می‌کند. او «پیوستگی» را مربوط به پیش فرض‌های ذهنی خواننده یا شنونده که مولود موقعیت و فرهنگ است، می‌داند. (Halliday and Hasan, 1989: 48) سپس حسن در قسمت دوم این کتاب نظریه جدیدی را در رابطه با انسجام مطرح می‌کند. از نظر او تنها عناصر دستوری و واژگانی در انسجام یک متن دخیل نیستند؛ بلکه همبستگی و به هم پیوستگی آن‌ها نیز مهم است. او این نظریه را «هماهنگی انسجام»^۲ نامید. او معتقد است «هماهنگی انسجام»، عناصر انسجام دستوری و واژگانی را به ترتیب بر اساس شباهت معنایی^۳ (عوامل دستوری) یا یکسانی^۴ (عوامل واژگانی) در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. (Halliday & Hasan, 1989: 94) بنابراین «هماهنگی انسجامی» یعنی روابط متقابل و دوسویه

1. Language, Context and Text: Aspects of Language in a Social- Semiotic Perspective

2. Cohesive harmony

3. Semantic consideration

4. Similarity

زنجیره‌های انسجامی^۱ شکل گرفته بر اساس عوامل انسجامی که حسن از آن به تعامل زنجیره‌ای^۲ یاد می‌کند. (Ibid: 91) بر اساس الگوی معرفی شده، هالیدی و حسن بیشتر بر ابزارهای انسجام درون‌متنی تأکید کرده‌اند. گرچه از پیوستگی و انسجام متنی حاصل از عناصر برون‌متنی مثل پیش‌فرض‌های ذهنی مخاطب، فضای سخن و... غافل نمانده‌اند.

۳. جامعه آماری پژوهش

عناوین و مشخصات پژوهش‌هایی که در حیطه مطالعه و بررسی این نوشتار است بر اساس گاه‌شمار تاریخی در ادامه خواهد آمد.

۱. ایشانی، طاهره و معصومه نعمتی قزوینی (۱۳۹۲)، «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، **انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی**، دوره نهم، شماره ۲۷، ص ۶۵-۹۵.

۲. مسبوق، مهدی و شهرام دلشاد (۱۳۹۵)، «بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، **پژوهش‌های ادبی-قرآنی**، سال چهارم، شماره ۱، ص ۱۱۴-۱۲۹.

۳. ولیئی، یونس، سید محمود میرزایی الحسینی و محمد فرهادی (۱۳۹۵ش)، «عوامل انسجام متنی در سوره نوح»، **پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن**، سال پنجم، شماره ۱، ص ۶۹-۸۶.

۴. زانوس، احمدپاشا و مریم نبی‌پور (۱۳۹۶)، «عوامل انسجام در سوره زلزال (بر اساس نظریه هالیدی و حسن)»، **پژوهش‌نامه معارف قرآنی (آفاق دین)**، سال

1. Cohesive chains

2. Chain interaction

هشتم، شماره ۳۰، ص ۸۱-۱۰۲.

۵. اقبالی، عباس، روح الله صیادی نژاد و محمدحسین فاضلی (۱۳۹۶)، «تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت»، **پژوهش نامه تفسیر و زبان قرآن**، سال ششم، شماره ۱، ص ۹۱-۱۱۰.

۶. مختاری نژاد، قاسم و روح انگیز خدابخش (۱۳۹۷)، «تحلیل زیبایی شناسی آیات قرآن کریم بر پایه عنصر انسجام و پیوستگی بررسی نمونه ای سوره های جزء سی ام»، **پژوهش های زبان شناختی قرآن**، سال هفتم، شماره ۱، ص ۱۰۷-۱۲۶.

۷. سیدی، سید حسین و سمیه بیگ قلعه جویی (۱۳۹۸)، «تحلیل گفتمان دو سوره فلق و ناس بر اساس الگوی فرا نقش متنی هالیدی»، **پژوهش های ادبی- قرآنی**، سال هفتم، شماره ۱۲۱، ص ۱۰۹-۱۲۹.

۸. امرایی، محمدحسن (۱۳۹۸)، «تحلیل انسجام غیر ساختاری در سوره لیل با رویکرد زبان شناختی نقش گرا»، **ذهن**، شماره ۷۷، ص ۲۱۵-۲۴۴.

۹. مشکین فام، بتول و معصومه رحیمی (۱۳۹۸)، «نقش تکرار در انسجام بخشی به سوره هود با تکیه بر الگوی هالیدی و حسن»، **تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، سال شانزدهم، شماره ۴، ص ۱۶۵-۲۰۰.

۱۰. ملا ابراهیمی، عزت و زهرا رضایی (۱۳۹۹)، «کارایی نظریه هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل»، **مطالعات ادبی علوم اسلامی**، شماره ۲۴، ص ۴-۲۹.

۴. فراتحلیل مقالات یاد شده

در پژوهش حاضر فراتحلیل در سه حوزه اطلاعات زمینه ای، فهم صحیح الگو و تطبیق صحیح عناصر انسجامی الگو بر متن مورد مطالعه انجام شده است.

۱،۴. فراتحلیل اطلاعات زمینه‌ای

اطلاعات زمینه‌ای پژوهش‌ها شامل بازه زمانی تألیف، متن قرآنی واکاوی شده و گستره برگزیده از الگوی هالیدی و حسن است.

۱،۱،۴. بازه زمانی

پژوهش‌های انتخاب شده از میان پژوهش‌هایی است که در بازه زمانی دهه نود شمسی به رشته تحریر درآمده و مبدأ زمانی، سال ۱۳۹۲ است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در نیم‌سال دوم سال ۱۳۹۹ تألیف شده، مطالب یافت شده در این سال، اندک و تنها شامل یک پژوهش است. با توجه به نوین بودن رویکرد اتخاذ الگوهای ساختارشناس در جهت اثبات نظم و هماهنگی کلام الهی، پژوهش‌های انجام شده در این حوزه از سال ۱۳۹۵ روند افزایشی داشته به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۸ به اوج خود رسیده است.

سال انتشار	تعداد پژوهش‌ها	درصد
۱۳۹۲	۱	۱۰٪
۱۳۹۵	۲	۲۰٪
۱۳۹۶	۲	۲۰٪
۱۳۹۷	۱	۱۰٪
۱۳۹۸	۳	۳۰٪
۱۳۹۹	۱	۱۰٪

جدول شماره ۱

۲،۱،۴. متن واکاوی شده از قرآن

جامعه آماری در این نوشتار، از لحاظ متن منتخب قرآنی با یکدیگر تفاوت دارند. متن

انتخابی غالب پژوهش‌های بررسی شده، سور مکی است. در این میان پژوهش‌های شماره ۳، ۵، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ بر سور مکی متمرکز می‌باشند و پژوهش‌های شماره ۱ و ۴ انسجام یکی از سور مدنی را بررسی کرده‌اند. دو پژوهش دیگر؛ یعنی پژوهش شماره ۲ و ۶ فراتر از سوره عمل کرده‌اند؛ به این صورت که موضوعی را از قرآن انتخاب و انسجام آیات مربوط به آن را در کل قرآن بررسی کرده‌اند. البته گستره بررسی پژوهش شماره ۶ جزء سی ام قرآن است؛ نه کل آن. تفاوت دیگر در حوزه متن واکاوی شده از قرآن، مربوط به گستره متن است. اکثر پژوهش‌های متمرکز بر سوره، یک سوره را بررسی انسجامی کرده‌اند. تنها پژوهش شماره ۷ از یک سوره فراتر رفته و ساختار دو سوره ناس و فلق را گستره بررسی خود قرار داده است. جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که متن واکاوی شده ۶۰ درصد پژوهش‌ها، سور مکی است. ۲۰ درصد بر سور مدنی تمرکز دارند و ۲۰ درصد با رویکرد موضوعی به کشف انسجام پرداخته‌اند و متن موردنظر آن‌ها پراکنده است.

متن واکاوی شده	تعداد پژوهش‌ها	درصد
سوره مکی	۶	۶۰٪
سوره مدنی	۲	۲۰٪
متن پراکنده	۲	۲۰٪

جدول شماره ۲

به نظر می‌رسد غلبه آماری پژوهش‌های متمرکز بر سور مکی، به دلیل حجم کمتر و نظم‌آهنگ بیشتر این سور است که نمایش ساختارمندی متن قرآن را آسان‌تر می‌کند؛ سور مدنی انتخاب شده در پژوهش‌های یادشده نیز، سوری هستند که طول کوتاه و آیات کوتاه دارند و از این حیث به سور مکی شبیه‌اند (صف و زلال). از سوی دیگر به نظر می‌رسد کاربست الگوی هالیدی و حسن به منظور کشف انسجام و پیوستگی آیات پراکنده در

موضوعی خاص، چندان کارآمد نباشد (پژوهش شماره ۲ و ۶)؛ زیرا عناصر انسجامی در این الگو به‌ویژه انسجام دستوری (حذف، جایگزینی، ارجاع و ارتباط پیوندی) متناسب با متن به‌هم پیوسته و محدود است.

۳،۱،۴. گستره برگزیده از الگو

گرچه الگوی حسن و هالیدی انسجام دستوری و واژگانی را پوشش می‌دهد، برخی از پژوهش‌ها، مدّعی تمرکز بر یکی از عناصر انسجامی این الگو هستند. البته که انسجام یک متن، تک مؤلفه‌ای نیست؛ اما از آنجاکه گستره بررسی این پژوهش‌ها از الگوی مذکور از ابتدا عنوان شده و از آنجاکه هدف نوشتار حاضر سنجش کیفیت کاربست الگوی موردنظر به‌حسب عنوان پژوهش و ادّعای آن در گستره بررسی عناصر انسجامی است، مؤلفه مذکور نمی‌تواند مبنای نقد این پژوهش‌ها قرار گیرد و تنها به‌عنوان یکی از اطلاعات زمینه‌ای پژوهش‌ها مطرح شده است. در این میان پژوهش‌های شماره ۵ و ۹ به ترتیب مدّعی تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت و نقش تکرار در انسجام بخشی به سوره هود هستند. لازم به ذکر است که عنصر تکرار یکی از ابزارهای آفریننده انسجام واژگانی در الگوی حسن و هالیدی است. بنابراین فعالیت هردو پژوهش در حوزه انسجام واژگانی است. با این تفاوت که پژوهش شماره ۵ مدّعی بررسی همه عناصر دخیل در انسجام واژگانی است؛ اما پژوهش شماره ۹ تنها بر عنصر تکرار متمرکز است.

گستره برگزیده از الگو	تعداد پژوهش‌ها	درصد
انسجام دستوری	۰	۰
انسجام واژگانی	۲	۲۰٪
انسجام واژگانی و انسجام دستوری	۸	۸۰٪

۲،۴. فراتحلیل فهم صحیح الگو و معرفی دقیق آن

با بررسی ده پژوهش یادشده مشخص شد که از لحاظ فهم صحیح و دقیق الگو و در نتیجه معرفی کامل و مطابق با واقع آن، میان آن‌ها اختلاف وجود دارد. به منظور فراتحلیل پژوهش‌ها در فهم صحیح و مطابق با واقع الگوی هالیدی و حسن، مؤلفه‌های زیر در نظر گرفته شده است.

۱،۲،۴. مستقل ندانستن روابط پیوندی از انسجام دستوری

در معرفی الگوی هالیدی و حسن آمد که روابط پیوندی یکی از اقسام انسجام دستوری و زیرمجموعه آن است. بنابراین نباید مستقل و در عرض یکدیگر ذکر شوند. این در حالی است که غالب پژوهش‌ها، ارتباط پیوندی و انسجام حاصل از آن را مستقل از انسجام دستوری ذکر کرده‌اند. در این میان تنها پژوهش‌های شماره ۱، ۵، ۸ و ۹ در معرفی الگوی هالیدی و حسن، مؤلفه مذکور را لحاظ کرده‌اند.

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ۴۰ درصد در فهم الگو به این مؤلفه توجه و ۶۰ درصد از آن غافل بوده‌اند.

۲،۲،۴. معرفی کامل زیرمجموعه‌های انسجامی

یکی از مؤلفه‌های فهم صحیح و دقیق الگوی هالیدی و حسن این است که در مرحله معرفی الگوی مذکور و پیش از انطباق و اجرای آن بر متن قرآن، ابزارهای آفریننده انسجام که ذیل عناوین اصلی جایابی شده، کامل ذکر شوند و از هیچ‌یک غفلت نشود. غالب پژوهش‌های مطالعه‌شده، به معرفی کامل عناصر انسجامی نائل شده‌اند. تنها محدودی از آنها از برخی عناصر انسجامی غفلت کرده‌اند. برای مثال در پژوهش شماره ۲ ضمن معرفی انسجام دستوری، عنصر جایگزینی مفعول مانده است. (مسبوق، ۱۳۹۵: ۱۱۸). یا در همین پژوهش عناصر اصلی انسجام واژگانی که

شامل بازآیی و هم‌آیی می‌شود، به درستی از هم تفکیک نشده است. (همان، ۱۲۱-۱۲۳) البته برخی پژوهش‌ها نیز به عناصری اشاره می‌کنند که در الگوی هالیدی و حسن جایگاهی ندارد. برای نمونه پژوهش شماره ۱۰ در معرفی عناصر انسجام واژگانی در سطح تکرار به عنصری با عنوان «واژگان خاص پس از عام» اشاره می‌کند که این عنصر در الگوی مذکور در متن اصلی کتاب آن دو زبان‌شناس مطرح نشده است. (ملاً ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۲۰) البته شاید بتوان با تسامح این عنصر را معادل عنصر جزء و کل در الگوی هالیدی و حسن دانست؛ اما نویسندگان پژوهش شماره ۱۰ باید به عین عبارت هالیدی و حسن اشاره می‌کردند. جدول شماره ۴ بیانگر آن است که ۸۰ درصد از پژوهش‌های مطالعه‌شده در این نوشتار، زیرمجموعه‌های انسجامی اعم از انسجام دستوری و انسجام واژگانی را به طور جامع و مانع معرفی کرده‌اند.

۴، ۲، ۳. توجه به نظریه پیوستگی

پیش از این، در مقام معرفی الگوی هالیدی و حسن، به تفاوت نظریه «انسجام» و «پیوستگی» در این الگو پرداخته شد (نک: ۵-۶ از همین نوشتار). در میان پژوهش‌های واکاوی‌شده در این نوشتار، تعداد کمی از آنها متعزّض نظریه «پیوستگی» شده و آن را پس از واکاوی نظریه «انسجام» در سوره موردنظر خود لحاظ کرده‌اند. در این میان می‌توان به پژوهش شماره ۱، ۵، ۶ و ۸ اشاره کرد. البته پژوهش شماره ۱ و ۸، نظریه «هماهنگی انسجام» حسن را که مکمل نظریه «انسجام» حسن و هالیدی است، در متن سوره صف (ایشانی، ۱۳۹۲: ۷۹-۸۲) و لیل (امری، ۱۳۹۸: ۲۲۰-۲۲۷) بررسی و آن را با رسم جدول به نمایش گذاشته‌اند؛ اما پژوهش شماره ۶ «پیوستگی» را که به گفته پژوهشگر حاصل دانش پیش‌زمینه مخاطب نسبت به متن است، در متن مطالعه‌شده، کشف و تعداد معدودی شاهد مثال برای آن ارائه می‌دهد. (مختاری، ۱۳۹۷: ۱۲۱-۱۲۳)

پژوهش شماره ۵ نیز گرچه صراحتاً به نظریه «پیوستگی» اشاره نمی‌کند، تأکید خاصی بر بافت موقعیت در بررسی انسجام سوره عنکبوت دارد و بسامد بالای برخی واژگان را با سیاق و بافت سوره در رابطه می‌داند. (اقبالی، ۱۳۹۶: ۹۹) در حقیقت سیاق کلام و بافت موقعیتی آن از عوامل انسجام‌بخش برون‌متنی است که با نظریه «پیوستگی» ارتباط مستقیمی دارد.

مؤلفه‌های فهم صحیح الگو	تعداد پژوهش‌ها	درصد
مستقل دانستن روابط پیوندی از انسجام دستوری	۴	۴۰٪
معرفی کامل زیرمجموعه‌های انسجامی	۸	۸۰٪
توجه به نظریه پیوستگی	۴	۴۰٪

جدول شماره ۴

به نظر می‌رسد مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل سوءبرداشت و عدم فهم دقیق الگو و معرفی جامع و مانع آن، مراجعه نکردن به آثار اصلی هالیدی و حسن است. این را می‌توان از عدم ارجاع به متن اصلی آثار این دو زبان‌شناس در پژوهش‌های بررسی‌شده متوجه شد. بیشتر پژوهش‌ها به جای ارجاع به تألیفات هالیدی و حسن به تألیفات دیگرانی ارجاع داده‌اند که در مقام توضیح و تشریح الگوی مذکور بوده‌اند. بنابراین جملگی یک اشتباه را تکرار کرده‌اند. چه بسا اگر به متن اصلی آثار هالیدی و حسن مراجعه می‌کردند، روابط پیوندی را زیرمجموعه انسجام دستوری ذکر نمی‌کردند، به نظریه «پیوستگی» و تفاوت آن با نظریه «انسجام» توجه می‌کردند و در معرفی مؤلفه‌های انسجام دستوری و واژگانی جانب امانت را نگاه می‌داشتند.

۳،۴. فراتحلیل کاربرست صحیح الگو در کشف انسجام متن قرآن

پس از فهم دقیق الگوی هالیدی و حسن و معرفی صحیح آن در پژوهش‌های یادشده،

نوبت به انطباق صحیح و دقیق الگوی مذکور بر متن قرآن می‌رسد. در این میان برخی پژوهش‌ها در کاربست صحیح الگو موفق بوده‌اند؛ اما برخی به طور کامل و صحیح نتوانسته‌اند الگوی مذکور را بر متن موردپژوهش خود پیاده کنند. در فراتحلیل پژوهش‌های مطالعه‌شده در زمینه کاربست صحیح الگوی هالیدی و حسن در کشف انسجام سور قرآن، مؤلفه‌های ذیل محل توجه قرار می‌گیرد.

۱،۳،۴. رعایت امانت در انطباق عناصر انسجامی بر متن قرآن

مؤلفه مذکور به این معناست که در انطباق و اجرای عناصر انسجامی بر متن موردنظر دخل و تصرف صورت نگیرد. در پژوهش‌های یادشده این مؤلفه رعایت نشده است. دخل و تصرف گاه به صورت غفلت از بررسی برخی عناصر انسجامی در متن سوره ظهور پیدا کرده و گاه به شکل بررسی برخی عناصر انسجامی که در الگوی هالیدی و حسن جایگاهی ندارد. برخی پژوهش‌ها علی‌رغم ادّعای کاربست کامل الگوی انسجامی هالیدی و حسن، از برخی عناصر انسجامی در کشف متن موردنظر از قرآن غافل مانده‌اند؛ برای مثال پژوهش شماره ۸ انسجام پیوندی را در سوره لیل واکاوی نکرده، گرچه در مرحله معرفی و تشریح الگو به آن اشاره کرده است. پژوهش شماره ۹ نیز در معرفی اقسام عنصر تکرار در الگوی هالیدی و حسن، متذکر رابطه جزء و کلّ نیز می‌شود؛ اما از بررسی این عنصر در متن سوره هود غفلت می‌کند. البته شاید نویسندگان این نوع رابطه را در متن سوره هود نیافته باشند؛ اما باید به این مطلب تصریح می‌کردند. البته شاید بتوان رابطه واژگان «کتاب» و «آیات» را در آیه اول سوره هود، از نوع رابطه جزء و کلّ دانست: «کتابٌ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ»؛ زیرا آیات، جزئی از کتاب الهی قرآن است.

برخی پژوهش‌ها نیز متعرض عناصری شده‌اند که الگوی هالیدی و حسن بدان اشاره‌ای نکرده است؛ مثلاً پژوهش شماره ۴ عنصر ایقاع و موسیقی کلام را در متن سوره زلزال واکاوی کرده است. (زانوس، ۱۳۹۶: ۹۴) گرچه بررسی عنصری مانند موسیقی متن قرآن می‌تواند اعجاز بیانی

قرآن و انسجام آن را بهتر و بیشتر به نمایش گذارد، نوعی دخل و تصرف در الگوی مذکور است. البته مؤلف پژوهش شماره ۴ معتقد است که عنصر موسیقی و وزن به عمد و آگاهانه در الگوی هالیدی و حسن مغفول مانده، زیرا هدف الگوی مذکور بررسی عوامل انسجام در زبان معیار است؛ اما وزن و موسیقی از عناصر انسجام در متون ادبی است. (همان) در مجموع می‌توان گفت غفلت از یک عنصر یا پرداختن به عنصری که در الگوی هالیدی و حسن جایگاهی ندارد، نوعی عدم تفوق در کاربرست صحیح و دقیق این الگو در متن قرآن است.

۲،۳،۴. ارائه شواهد قرآنی کافی

مؤلفه مذکور به این معناست که شواهدی که از متن موردپژوهش ذیل هریک از عناصر انسجامی ارائه می‌شود، شامل همه شواهد آن متن باشد. گرچه در سوره‌های کوتاه شواهد برای هریک از عناصر انسجامی کم باشد، یا برای برخی از زیرمجموعه‌های انسجامی اصلاً شواهدی از آن سوره یافت نشود. پژوهش شماره ۷ پس از اینکه متعرض انسجام دستوری می‌شود و آن را در سوره ناس و فلق در سه سطح ارجاع، حذف و ربط معرفی می‌کند، به مصادیق ارجاع اشاره نمی‌کند. البته ادعا نمی‌کند که در این دو سوره شاهد مثالی برای این عنصر وجود ندارد.

حتی وجود عنصر ارجاع را با سیاق سوره فلق هماهنگ و متناسب می‌داند؛ اما به هر دلیلی از ذکر شواهد قرآنی خودداری کرده است. (سیدی، ۱۳۹۸: ۱۲۲) این در حالی است که در هر سوره حداقل یک یا دو مصداق برای عنصر ارجاع وجود دارد. مثلاً موصول «الَّذِي» در آیه ۵ سوره ناس (الَّذِي يُولِئُ فِي صُدُورِ النَّاسِ) که به مرجع «وسواس الخناس» در آیه قبل بازمی‌گردد، نمونه‌ای برای عنصر ارجاع در این سوره ناس است، یا در آیه ۲ سوره فلق (مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ)، ضمیر مستتر فاعلی در فعل «خَلَقَ» به واژه «رَبِّ» در آیه قبل بازمی‌گردد و شاهد عنصر ارجاع است.

۳،۳،۴. محاسبه بسامد و درصد عناصر انسجامی

آخرین مرحله در واکاوی و کشف انسجام متن قرآن به وسیله الگوی هالیدی و حسن،

محاسبه بسامد و درصد هریک از عناصر انسجامی و ارائه آن در قالب جدول و نمودار است. بیشتر پژوهش‌های مدّ نظر این نوشتار، در فرجام پژوهش به رسم جدول و محاسبه بسامد عناصر انسجامی اقدام کرده‌اند. در این میان تنها پژوهش شماره ۲ و ۶ به ذکر شواهدی از سوره مطالعه شده بسنده و از محاسبه بسامد و درصد عوامل انسجامی در متن سوره غفلت کرده‌اند. البته شایان ذکر است که گستره بررسی این دو پژوهش با پژوهش‌های دیگر اندکی تفاوت دارد. پژوهش‌های دیگر متمرکز بر متن سوره مشخصی هستند؛ اما گستره بررسی دو پژوهش مذکور، موضوعی است؛ یعنی یک موضوع را در قرآن مدّ نظر قرار داده و انسجام آیات مربوط به آن موضوع را که در کلّ قرآن پراکنده است، واکاوی کرده‌اند. برخی پژوهش‌ها گاه به دلیل پایین بودن بسامد یکی از عناصر انسجامی در سوره، از ارائه جدول و رسم نمودار خودداری کرده‌اند. برای نمونه در پژوهش شماره ۳، پژوهشگر ابتدا نمونه‌های عنصر جایگزینی در متن سوره را با ذکر آیه مربوط می‌آورد؛ اما به علّت پایین بودن بسامد این عنصر برای آن نموداری ارائه نمی‌دهد. (ولیئی، ۱۳۹۵: ۷۱-۷۷)

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در هریک از مؤلفه‌های کاربرست صحیح و دقیق الگو چند درصد پژوهش‌ها موفق بوده‌اند.

مؤلفه‌های کاربرست صحیح الگو	تعداد پژوهش‌ها	درصد
رعایت امانت در انطباق عناصر انسجامی بر متن	۷	۷۰٪
ارائه شواهد قرآنی کافی	۹	۹۰٪
محاسبه بسامد و درصد عناصر انسجامی	۸	۸۰٪

جدول شماره ۵

به نظر می‌رسد در مرحله کاربرست الگو، علّت عمده عدم موفقیت کامل پژوهش‌ها، همان علّتی است که در مرحله فهم و معرفی الگو مشخص شد و آن عبارت است از مراجعه نکردن به

منابع اصلی. البته عاملی چون دخالت فهم یا سلیقه شخصی را نیز می توان مفروض دانست، زیرا این عامل سبب می شود پژوهشگر به جای التزام به الگوی اصلی، در آن دخل و تصرف کند و با کاستن یا افزودن عنصری به عناصر تعریف شده در الگو، جانب امانت را مراعات نکند. جدول شماره ۶ سهم هریک از پژوهش ها را از مؤلفه های فراتحلیل در دو سطح فهم دقیق و کاربست صحیح الگو نشان می دهد.

شماره پژوهش	مستقل ندانستن ارتباط پیوندی از انسجام دستوری	معرفی کامل زیرمجموعه های انسجامی	توجه به نظریه پیوستگی	رعایت امانت در انطباق عناصر انسجامی	ارائه شواهد کافی	محاسبه بسامد و درصد عناصر انسجامی
۱	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۲				✓	✓	
۳		✓		✓	✓	✓
۴		✓			✓	✓
۵	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۶		✓	✓	✓	✓	
۷		✓		✓		
۸	✓	✓	✓		✓	✓
۹	✓	✓			✓	✓
۱۰				✓	✓	✓

جدول شماره ۶

جدول فوق نشان می‌دهد که در میان پژوهش‌های انجام‌شده پژوهش شماره ۱ که موضوع و حیطه بررسی آن سوره صف بود، بیشترین نزدیکی و تقید را به الگوی هالیدی و حسن داشته است. پژوهش شماره ۵ نیز گرچه متعزّض انسجام دستوری نشده است و البته (از ابتدا مدّعی تمرکز بر انسجام واژگانی بوده)، تمامی مؤلفه‌های فهم صحیح الگو و انطباق آن بر سوره انتخاب‌شده را داراست.

۵. نتیجه‌گیری

جامعه آماری این نوشتار (ده پژوهش قرآنی فارسی‌زبان مبتنی بر الگوی هالیدی و حسن، متعلّق به دهه نود شمسی)، در سه سطح اطلاعات زمینه‌ای، فهم صحیح و مطابق با واقع الگو و کاربست صحیح آن فراتحلیل شد. نتیجه این فراتحلیل یکسان نبودن پژوهش‌ها در سطوح یادشده بود. طی فراتحلیل اطلاعات زمینه‌ای مشخص شد که پژوهش‌ها از سال ۱۳۹۵ به بعد روند افزایشی داشته و از لحاظ متنی نیز بیشتر بر سور مکی متمرکز هستند. همچنین اکثر پژوهش‌ها مدّعی بررسی الگوی هالیدی و حسن به طور کامل (انسجام دستوری و انسجام واژگانی) هستند. در مرحله فراتحلیل فهم صحیح الگو، مشخص شد بیشتر پژوهش‌ها روابط پیوندی را از انسجام دستوری تفکیک کرده‌اند؛ درحالی‌که بر اساس الگوی اصلی هالیدی و حسن، روابط پیوندی یکی از اقسام انسجام دستوری است. همچنین برخی پژوهش‌ها در توضیح زیرمجموعه‌های انسجامی از برخی عناصر غفلت کرده‌اند. نمونه دیگری از مصداق فهم ناصحیح الگوی نام‌برده، خلط نظریه «انسجام» با نظریه «پیوستگی» است. به همین دلیل تعداد کمی از آن‌ها به تفاوت انسجام و پیوستگی توجه و آن را در متن سوره واکاوی کرده‌اند. فراتحلیل سطح کاربست دقیق الگو نیز نشان می‌دهد بارزترین اشکال در این سطح، نادیده گرفتن برخی عناصر انسجامی در الگوی هالیدی و حسن و اقبال به عناصری است که در این الگو محل اعتنا نبوده است. این کاستی نتیجه

دخالت سلیقه و دخل و تصرف در به‌کارگیری ابزارهای آفریننده انسجام است که به نوعی منافعی اصل امانت‌داری است. البته بیشتر پژوهش‌ها شواهد قرآنی کافی ذیل هر انسجام ارائه داده و در پایان نیز درصد و بسامد عناصر انسجامی را در قالب نمودار عرضه کرده‌اند. درمجموع می‌توان گفت عمده علّت عدم فهم دقیق الگو توسط پژوهشگران مدّعی کاربست الگوی هالیدی و حسن بر متن قرآن، مراجعه نکردن به متن اصلی آثار این دو زبان‌شناس است. به تبع عدم فهم دقیق الگو، کاربست و انطباق آن نیز بر متن قرآن، دقیق و صحیح انجام نشده است.

منابع

قرآن کریم

۱. اقبالی، عباس و روح‌الله صیادی‌نژاد و محمدحسین فاضلی. (۱۳۹۶). «تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت». *پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن*. سال ششم. شماره ۱. صص ۹۱-۱۱۰.
۲. امرایی، محمدحسن. (۱۳۹۸). «تحلیل انسجام غیرساختاری در سوره لیل با رویکرد زبان‌شناختی نقش‌گرا». *ذهن*. شماره ۷۷. صص ۲۱۵-۲۴۴.
۳. ایشانی، طاهره و معصومه نعمتی قزوینی. (۱۳۹۲). «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا». *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*. دوره نهم. شماره ۲۷. صص ۶۵-۹۵.
۴. بقاعی، ابراهیم‌بن‌ابی‌بکر. (بی‌تا). *نظم الدّر فی تناسب الآیات و السور*. قاهره: دارالکتب الاسلامیه.
۵. توکلی محمدی، نرجس و محمود مکوند. (۱۳۹۸). «بررسی و تحلیل تاریخی اندیشه پیوستگی متن قرآن کریم». *تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)*. سال شانزدهم. شماره ۳. صص ۱-۲۸.
۶. دهقان طرزجانی، محمد اسماعیل و حسن ذوالفقاری. (۱۳۹۹). «بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عاظمه». *فصلنامه فرهنگ مردم ایران*. شماره ۶۳. صص ۴۲-۶۴.
۷. ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۶). «فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان». *جامعه‌شناسی ایران*. دوره هشتم. شماره ۱. صص ۸۱-۱۰۱.
۸. زانوس، احمدپاشا و مریم نبی‌پور. (۱۳۹۶). «عوامل انسجام در سوره زلزال (بر اساس نظریه هالییدی و حسن)». *پژوهش‌نامه معارف قرآنی (آفاق دین)*. سال هشتم. شماره ۳۰. صص ۸۱-۱۰۲.
۹. سارلی، ناصرقلی و طاهره ایشانی. (۱۳۹۰). «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربری آن در یک داستان کمینه فارسی (قصه نردبان)». *زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)*. سال دوم. شماره ۴. صص ۵۱-۷۷.
۱۰. سیدی، سید حسین و سمیه بیگ قلعه‌جویی. (۱۳۹۸). «تحلیل گفتمان دو سوره فلق و ناس براساس

- الگوی فرا نقش متنی هالیدی». **پژوهش‌های ادبی-قرآنی**. سال هفتم. شماره ۱۲۱. صص ۱۰۹-۱۲۹.
۱۱. السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۳۶۷). **الاتقان فی علوم القرآن** (محمد ابوالفضل ابراهیم، محقق). منشورات الرضی-بیدار.
۱۲. محمدی، شیرکوه و دیگران. (۱۳۹۵). «مدیریت آموزش چند فرهنگی در مدارس ایران: فراتحلیل کیفی». **مدیریت مدرسه**. دوره چهارم. شماره ۲. صص ۶۵-۹۱.
۱۳. مختاری نژاد، قاسم و روح‌انگیز خدابخش. (۱۳۹۷). «تحلیل زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم بر پایه عنصر انسجام و پیوستگی بررسی نمونه‌ای سوره‌های جزء سی‌ام». **پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن**. سال هفتم. شماره ۱. صص ۱۰۷-۱۲۶.
۱۴. مسبوق، مهدی و شهرام دلشاد. (۱۳۹۵). «بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا». **پژوهش‌های ادبی-قرآنی**. سال چهارم. شماره ۱. صص ۱۱۴-۱۲۹.
۱۵. مشکین‌فام، بتول و معصومه رحیمی. (۱۳۹۸). «نقش تکرار در انسجام‌بخشی به سوره هود با تکیه بر الگوی هالیدی و حسن». **تحقیقات علوم قرآن و حدیث**. سال شانزدهم. شماره ۴. صص ۱۶۵-۲۰۰.
۱۶. ملا ابراهیمی، عزت و زهرا رضایی. (۱۳۹۹). «کارایی نظریه هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل». **مطالعات ادبی علوم اسلامی**. سال پنجم. شماره ۲۴. صص ۴-۲۹.
۱۷. ولیئی، یونس، سید محمود میرزایی الحسینی و محمد فرهادی. (۱۳۹۵ش)، «عوامل انسجام متنی در سوره نوح»، **پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن**. سال پنجم. شماره ۱. صص ۶۹-۸۶.
18. Halliday, M.A.K. & Matthiessen, Christian (2004). *An Introduction To Functional Grammar*. London: Hodder Arnold. Third edition.
19. Halliday, Michael and Ruqaiya Hasan. (1989). *Language. Context and Text: Aspects of Language in a Social- Semiotic Perspective*. Oxford University Press.
20. Halliday, Michael and Ruqaiya Hasan. (1976). *Cohesion in English*. Longman Group Ltd.